

نسبت طرد اجتماعی و فقر شهری در میان کارتن‌خواب‌های شهر تهران

سیدسعید آقایی^۱

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۱/۱۷

چکیده

این مقاله با هدف پیدا کردن رابطه‌ی فقر شهری و طرد اجتماعی در میان کارتن‌خواب‌های شهر تهران انجام شد. از آنجا که پیش‌فرض موجود بین بسیاری از پژوهشگران اجتماعی رابطه‌ی متقابل فقر و طرد اجتماعی در زندگی شهری افراد ساکن در شهرها است و از سوی دیگر، افرادی که به دلیل آسیب‌های اجتماعی مانند کارتن‌خوابی جزء گروه‌های مطرود اجتماعی به شمار می‌روند، پژوهشگر با این دیدگاه که طرد اجتماعی صرفاً اقتصادی نیست و در ضمن آسیب‌ها اجتماعی را نمی‌توان تنها با رویکرد تضادگرایی تحلیل کرد، با مصاحبه‌ی میدانی از کارتن‌خواب‌ها که تعداد ۱۲۰۴۸ نفر در گرمخانه‌ها به سر می‌بردند، اقدام به گردآوری داده نمود. پس از ۳۸ مصاحبه که به اشباع نظری رسید، نتایج نشان داد که سه گروه از کارتن‌خواب‌ها در چرخه‌ی طرد اجتماعی و فقر شهری گرفتار آمده‌اند. گروه اول، به دلیل مهاجرت خودخواسته و بدون برنامه‌ریزی برای پیدا کردن فرصت‌های بهتر زندگی همزمان و در رابطه‌ای متقابل، طرد اقتصادی و فقر شهری را تجربه کرده‌اند که پس از آن به دلیل ناسازگاری با مقصد مهاجرت و کمبود روابط سالم، طرد فرهنگی و طرد اجتماعی هم در این چرخه وارد شده است. گروه دوم، به دلیل مهاجرت خانواده با مهاجرتی ناخواسته و اجباری مواجه بوده‌اند که سکونت در مناطق آسیب‌زای شهر فرصت‌های مناسبی برای تجربه‌ی موقعیت‌های پرخطر فراهم نموده و در نهایت با طرد خانواده، ابتدا طرد اجتماعی را تجربه کرده‌اند و به مرور زمان وارد چرخه‌ی فقر و طرد اجتماعی-اقتصادی شده‌اند. گروه سوم، هرگز طرد اجتماعی را تجربه نکرده بودند و در عین حال از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خوبی هم برخوردار بودند که اعتبار اجتماعی هم به همراه موقعیت‌های مطلوب داشتند. اما سرخوردگی‌های ناشی از شرایط اجتماعی و گاهی انتقام‌گیری سبب ورود این افراد به گروه کارتن‌خواب‌ها بود؛ این گروه به انزوای اجتماعی و دوری‌گزینی پناه برده بودند.

واژگان کلیدی: طرد اجتماعی، فقر شهری، انزوای اجتماعی، موقعیت‌های خطرناک، کارتن‌خواب

مقدمه

فقر نسبی همیشه و در همه‌ی جوامع وجود داشته است که بر اساس مقایسه‌ی میان گروه‌های مختلف اجتماعی نمود پیدا می‌کند. اما فقر مطلق با صنعتی شدن جوامع و مهاجرت گسترده به شهرها که جمعیت شهرنشین را افزایش داد، دیده شد. طبقات اقتصادی و اجتماعی نیز در این دوره موجب بروز مسائل اجتماعی مختلفی شد که یکی از آن‌ها فقر منطقه‌ای و فقر شهری بود. تبدیل فقر نسبی به فقر مطلق به دلیل تغییراتی بود که در نهادهای مختلف اجتماعی و شیوه‌ی حمایت‌گری افراد رخ داد. تافلر نیز بر این نکته تاکید کرده و بر این باور است که در موج اول که جوامع کشاورزی هستند، خانواده به صورت خانواده‌ی گسترده وجود دارد و با ورود جامعه به موج دوم، یعنی دوره‌ی صنعتی می‌توان خانواده را در اشکال هسته‌ای و یا سلولی مشاهده کرد (تافلر، ۱۳۸۷: ۱۲۲). با چنین تغییری در خانواده‌ها، حمایت اجتماعی افراد رو به افول می‌گذارد و با پیشرفت این روند، خانواده‌های سلولی در عصر فناوری، مبنای تشکیل خانواده می‌شوند که پدیده‌ی تنهایی و انزواگرایی را بیش از پیش گسترش می‌دهد و به اشکال مختلفی از فقر مطلق دامن می‌زند.

با صنعتی شدن جوامع، رقابت بین طبقات مختلف جهت کسب مزایا شدت می‌یابد، رقابتی که در آن تعادل چندان قدرتمندی به چشم نمی‌خورد؛ در حقیقت در این رقابت، یکی غنی و دیگری فقیر است. در واقع صنعتی شدن جوامع هر چند مزایای مثبتی همچون توسعه‌ی نظام‌های آموزشی، پزشکی و غیره را در خود دارد، اما در نیمه‌ی دیگر خود فقر، اعتیاد، فحشاء و سایر معضلات را نیز به همراه خواهد داشت. بی‌خانمانی مقوله‌ای متفاوت از و کارتن‌خوابی^۱ است و سه گروه را دربرمی‌گیرد. گروه اول، افرادی هستند که با حمایت مالی نهادهای اجتماعی توانسته‌اند مکانی را به عنوان سرپناه برای خویش فراهم کنند. گروه دوم، افرادی هستند که در خیابان‌ها و در شرایط سخت زندگی می‌کنند و گروه سوم، افرادی هستند که به دلیل کمبود سرپناه‌های واقعی، نزد آشنایان یا وابستگان خود به سر می‌برند. این گروه‌ها می‌توانند همپوشانی داشته باشند، یعنی افرادی که در خیابان می‌خوابند، ممکن است شبی دیگر را در پناهگاه به سر ببرند. افراد بدون سرپناه مناسب، عموماً در یکی از گروه‌های سه‌گانه جای می‌گیرند (Burt, et al., 1999: 86). در این تعریف، همپوشانی گروه‌های مختلف بی‌خانمان‌ها به اشکال مختلف دیده می‌شود. مثلاً گروهی که با حمایت مالی نهادهای اجتماعی برای خود سرپناه مهیا می‌کنند، می‌توانند این حمایت مالی را از آشنایان و وابستگان خود دریافت کنند. اما نکته‌ی مهمی که تفاوت بین افراد بی‌خانمان از کارتن‌خواب است را می‌توان در طرد اجتماعی کارتن‌خواب‌ها دانست، در صورتی که بی‌خانمان‌ها به دلیل نداشتن وضعیت مالی مناسب، دچار طرد اجتماعی نمی‌شوند و حتی ممکن است از سوی افراد و سازمان‌های مختلف تحت حمایت نیز قرار گیرند. شباهتی نیز میان کارتن‌خواب‌ها و بی‌خانمان‌ها وجود دارد که نداشتن سرپناه مناسب برای زندگی است.

در ادبیات جامعه‌شناسی حاشیه‌نشینی و بی‌خانمانی با طرد اجتماعی در ارتباط هستند و گونه‌ی کارتن‌خوابی در میان بی‌خانمان‌ها، نقطه‌ی اوج طردشدگی است. در واقع کسانی که از جامعه رانده شده‌اند و شیوه‌ی متعارف زندگی اغلب مردم را دنبال نمی‌کنند، به طور بدیهی از برخی امکانات نیز محروم شده و در زمره‌ی افراد بی‌خانمان قرار

¹ Homelessness

می‌گیرند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). گاهی بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی، ناشی از طرد اجتماعی نیست و اعتراضی است به وضع موجود جامعه که این افراد سعی دارند با نشان دادن برخی از ویژگی‌های شرایط زندگی مردم، جلب توجه کرده و خواستار تجدیدنظر در سیاست‌های جاری جامعه شوند. مثل برخی گروه‌های فعال مدنی که با داشتن مهارت‌های کافی در زمینه‌ی موسیقی و خوانندگی به اجرای آهنگ‌ها و ترانه‌های مورد علاقه‌ی مردم و بیدار کردن نوستالژی در آنان می‌پردازند و این کار را با فعالیت در کنار خیابان انجام می‌دهند. این گروه، تنها بخش کوچکی از بی‌خانمان‌ها را دربرمی‌گیرد و به دلیل فراگیر نبودن آن، یک مسئله‌ی اجتماعی به شمار نمی‌روند. اما گروهی که به دلیل شرایط نامساعد اجتماعی از جمله فقر، بی‌خانمان شده و به حاشیه‌نشینی و کارتن‌خوابی روی آورده‌اند، در جامعه چشم‌گیر هستند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

انواع بزهکاری از جمله اعتیاد، طلاق، بیکاری، ورشکستگی اقتصادی و غیره همه در بستری از فقر اقتصادی و افزایش نابرابری اجتماعی رشد کرده و گسترش می‌یابند. فقر مهم‌ترین بستر ساز کارتن‌خوابی است. طبق گزارش‌های موجود بیش از ۱۵ هزار نفر بی‌خانمان در شهر تهران حضور داشته که ۸۰ درصد این افراد اعتیاد دارند که ۱۵ تا ۲۰ درصد این افراد را زنان تشکیل می‌دهند. بر اساس بررسی‌های موجود در سال ۱۳۸۷ تعداد ۴۸۱۱ نفر بی‌خانمان به مرکز اسلامشهر تهران مراجعه کرده بودند که ۳۹۰۶ نفر از آن‌ها مرد و ۸۰۹ نفر نیز زن بوده‌اند. علاوه بر این طی چند سال اخیر، در سال‌های دهه‌ی ۱۳۹۰، کاهش سن کارتن‌خواب‌ها و افزایش زنان کارتن‌خواب مشاهده شده است (معاونت امور اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۹۵). در مطالعه‌ای که اثر شاخص رشد اقتصادی فقر را به تفکیک دوره‌ی ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷، برنامه‌ی اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸)، برنامه‌ی دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴) و بخشی از برنامه‌ی سوم (۱۳۸۱-۱۳۷۹) توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی برآورد کرده‌اند، اثر رشد اقتصادی به دو اثر درآمدی و اثر توزیعی تفکیک شده است. نتایج حاصل از این تجزیه حاکی از آن است که در طول دوره‌ی ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷، فقر افزایش یافته است، اما کاهش در نابرابری، طی این دوران موجب تخفیف فقر ناشی از رکود اقتصادی شده است. طی برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی اول، دوم و سوم نیز رشد ناچیز نسبی در اقتصاد ایران به استثنای برنامه‌ی سوم در سایر دوره‌ها، حامی فقرا نبوده است. در سال ۱۳۸۵، شاخص رشد به نفع فقرا در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲ در مناطق شهری و روستایی محاسبه شده بود که نتایج مطالعات بعدی نشان داد که هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی، رشد به طور ضعیف به نفع فقرا عمل کرده است و در سال ۱۳۷۷ رشد، تشدیدکننده‌ی فقر بوده است (ابونوری و قادری، ۱۳۸۶ در راغفر و دیگران، ۱۳۹۴: ۳-۶۲). نرخ فقر طی دهه‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰، حدود ۳۰ درصد بوده است. به عبارت بهتر از هر ۱۰ نفر، ۳ نفر زیر خط فقر به سر برده‌اند و شاخص‌های مربوط به شدت و شکاف فقر نیز بسیار مشابه شاخص سرشمار فقر حرکت کرده است. نتایج نشان داده است که با گذشت ۳۰ سال، هنوز برنامه‌ی منسجمی برای کاهش فقر و نابرابری در کشور وجود ندارد. اگرچه در برنامه‌های پنج‌ساله همواره به سیاست‌های مربوط به کاهش فقر اشاره شده است، اما این سیاست‌ها نتوانسته‌اند به طور موثری در کشور موجب کاهش فقر شوند (راغفر و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۶). افزایش فقر در جامعه و گسترش نابرابری به بزهکاری‌های مختلفی از جمله اعتیاد می‌انجامد و از سوی دیگر بحران بیکاری و طلاق را به وجود می‌آورد که از دلایل اصلی طرد اجتماعی نیز به شمار می‌روند.

بنابراین بر اساس آمار رسمی که افزایش فقر و نابرابری را تایید کرده و همچنین نشان می‌دهد که تعداد کارتن‌خواب‌های شهر تهران روبه‌رشد است، ضرورت مطالعه‌ی فقر شهری و طرد اجتماعی در میان کارتن‌خواب‌های شهر تهران را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

پیشینه‌ی مطالعاتی

❖ ابوالفضل رضانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "مقایسه جهت‌گیری‌های کارآفرینی اجتماعی و خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر در نهادهای حمایتی شهر مشهد"، داده‌ها را از طریق "پرسشنامه‌ی استانداردهای زندگی" گردآوری و ابعاد مختلف فقر را سنجش نمودند. یافته‌ها نشان داد خدمات‌گیرندگان موسسه‌های کارآفرینی اجتماعی در مقایسه با خدمات‌گیرندگان موسسه‌های خیریه، در ابعاد مختلف فقر (ضروریات زندگی، سلامت‌محور، مسکن‌محور، مطلق، نسبی، بین‌نسلی، آسیب‌پذیری و طرد اجتماعی) وضعیت بهتری داشتند. کارآفرینی اجتماعی فقر بین‌نسلی را کاهش می‌دهد و چرخه‌ی فقر را قطع می‌کند. نتایج حاکی از آن است که اشتغال صرف‌نظر از جنبه‌ی اقتصادی (افزایش رفاه فرد یا درآمد خانوار)، از لحاظ اجتماعی نیز دایره‌ی شمول فرد را گسترش می‌دهد و از خطر انزوا و طرد اجتماعی وی می‌کاهد.

❖ سمیه شالچی و صفیه قلی‌زاده (۱۳۹۷) "تجربه‌ی طرد اجتماعی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: محله‌ی اسلام‌آباد تهران)" بر این باورند که سکونت‌گاه‌های غیررسمی امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است. زنان در این مناطق طرد شدید یافته‌ای را به لحاظ محرومیت و جنسیت تجربه می‌کنند. طرد اجتماعی به مفهوم گسست پیوندهای میان افراد و جامعه است. مطالعه‌ی طرد اجتماعی زنان ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، می‌تواند موجب آشکار شدن ابعاد محرومیت و ارائه‌ی تصویر روشن‌تری از این مساله گردد. نتایج نشان داد، اغلب زنان در این محله از داشتن روابط بین‌گروهی و فرامحلی محروم هستند. به سبب وجود سبک زندگی سنتی از داشتن مهارت و امکان اشتغال برخوردار نبوده و زیست وابسته‌ای را تجربه می‌کنند. همچنین آنان تجربه‌ی بسیار محدودی از رفت و آمد به سایر نقاط شهری را داشته و آشنایی کمی از تهران دارند. علاوه بر آن به سبب درونی کردن تصویر منفی از محله و داغ‌نگ از سکونت در محله‌شان احساس شرمساری کرده و روابط خود را با بیرون از محله کاهش داده‌اند. این مساله همچنین فرصت‌های ازدواج برای دختران را کاهش می‌دهد. تفاوت‌هایی در تجربه‌ی طرد اجتماعی دو نسل از زنان در محله وجود دارد؛ زنان نسل دوم علاوه بر طرد از جامعه‌ی بزرگ‌تر، طرد ارادی از اجتماع محلی و احساس نابرابری را نیز تجربه می‌کنند.

❖ کسری اصغرپور و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل فضایی فقر شهری در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: محله دزاشیب منطقه‌ی یک شهرداری تهران)" که با روش کمی به گردآوری داده پرداخته‌اند، هشت شاخص شامل دسترسی به خدمات درمانی، آموزشی، حمل‌ونقل، انتظامی، پارک، تاسیسات و تجهیزات، مذهبی و تجاری را سنجش نموده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تمرکز فقر در بخش‌های مرکزی و شرقی محله بیشتر بوده و عدم یکنواختی در توزیع خدمات عمومی شهری را در این بخش محله نمایش می‌دهد. یافته‌های این مطالعه، بر شناخت نواحی فقیر محله و اهمیت ترسیم نقشه‌های فقر و از طرف دیگر چگونگی دسترسی به خدمات شهری در سطح محله تاکید دارد تا بتوان راه‌کارهای عدالت اجتماعی را در آن شناسایی نمود.

❖ شهریور روستایی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "شناسایی مولفه‌های تاثیرگذار بر گستره فقر شهری؛ (مطالعه موردی: محله آخماقیه تبریز)" آورده‌اند: فقر شهری و گستره فقر فضایی آن از موضوعات چالش‌برانگیزی است که بیش‌تر شهرهای ایران با آن مواجه‌اند. این پدیده از سازوکارهای حاکم بر سیستم پیچیده فقر شهری نشئت می‌گیرد؛ سازوکارهایی که در کشورهای جهان سوم به‌جای کاهش نابرابری سبب تشدید آن شده‌اند. نتایج نشان داد ارتباط بیرونی بین شاخص‌های نبود سرمایه اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی بر شاخص گستره فقر کالبدی، و ارتباط بیرونی و درونی شاخص رفتار مصرفی و مطلوبیت‌گرایی بر شاخص گستره فقر جمعیتی قابل‌توجه است. همچنین هم‌بستگی قوی بین شاخص‌های طرد اجتماعی و سیاسی و ناتوان‌سازی با گستره فقر کالبدی دیده شد.

❖ سیدمحمدحسین جوادی و اعظم پیله‌ور (۱۳۹۶) به "بررسی تجربه‌ی زیسته‌ی مصرف‌کنندگان بی‌خانمان" در قالب پژوهشی کیفی پرداخته‌اند. سوء‌مصرف مواد یکی از عمده‌ترین مشکلات سلامت بی‌خانمانان است. مردمی که به سیکل بی‌خانمانی وارد و یا از آن خارج می‌شوند، غالباً هم‌زمان به سیکل سوء‌مصرف مواد نیز وارد و یا از آن خارج می‌شوند. رابطه میان سوء‌مصرف مواد و بی‌خانمانی نیازمند آن است که این دو پدیده به صورت هم‌زمان و نه مستقل و جدای از یکدیگر مورد ملاحظه قرار گیرند. یافته‌ها نشان می‌دهند که تجربه‌ی طردشدگی، تجربه‌ی تروما، احساسات و هیجانات منفی، شکل‌گیری سرمایه‌های منفی، انزوای اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی و فقدان زیرساخت‌های رفاهی - آموزشی از جمله مهم‌ترین تجربه‌های این افراد بودند. تجربه‌ی زیسته مصرف‌کنندگان بی‌خانمان حاکی از آن است که درمان این گروه از مصرف‌کنندگان به تبع پیامدهای زندگی در خیابان برای ایشان، بسیار متفاوت از افرادی است که به رغم اعتیاد، همراه با خانواده زندگی می‌کنند. نتایج بیان‌گر آن است که سه مسأله‌ی مهم؛ اعتیاد به موادمخدر، ناتوانی‌های جسمی و روانی و عدم تطابق با محیط پس از مهاجرت از عوامل تسهیل‌کننده‌ی ورود افراد به بی‌خانمانی است.

❖ علیرضا بزرگوار و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ی "سنجش مکانی پهنه‌های فقر شهری در شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد)" بر این باورند، امروزه شهرها به مکان تمرکز فقر تبدیل شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که پایگاه اقتصادی - اجتماعی اکثریت جمعیت شهر جدید هشتگرد در زمره‌ی اقشار فقیر و تهیدست قرار دارند. چنانچه اقشار خیلی فقیر (۸۵ درصد) و فقیر (۷ درصد)، در مجموع، ۹۲ درصد این شهر را تشکیل می‌دهند و موجب شده تا طبقه‌ی متوسط نابود شود (۵ درصد). طبقه‌ی مرفه و خیلی مرفه نیز ۱/۵ درصد شهر جدید هشتگرد را شامل شده‌اند. همین‌طور بین فقر و محدوده‌های مسکن اقشار کم‌درآمد رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد؛ چنان‌که به ترتیب فقر در فازهای ۷، ۴، ۳، ۲ و ۱ شهر جدید هشتگرد بیشترین فراوانی و تمرکز جغرافیایی را دارد.

❖ علی موحد و سامان ولی‌نوری (۱۳۹۶) در مقاله‌ی "تحلیل پویایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران ۹۰-۱۳۷۵" ضعف مطالعات فقرسنجی و رویکردهای مبتنی بر فرد در بررسی فقر در شهرها از مهم‌ترین ضرورت‌های توجه به این مسئله به شمار آورده‌اند. شناخت و تحلیل واقع‌بینانه‌ی فقر در مناطق شهری نیازمند افزودن بعد مکانی و زمانی مسئله است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فقر در کلان‌شهر تهران طی ادوار مختلف از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ به سمت خوشه‌ای شدن حرکت کرده و از حالت متفرق به وضعیت به هم پیوسته و خوشه‌ای تغییر شکل داده است. الگوی فضایی فقر در کلان‌شهر تهران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ به سمت همگرایی و مجتمع شدن حرکت کرده و

لایه‌های فقر اجتماعی به دلیل ناتوانی در حفظ خود در مدارهای بالاتر شهر به سطوح پایین‌تر به لحاظ فضایی کشیده شده‌اند. الگوی فقر تهران در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که خوشه‌های بالا که نشان‌گر تمرکز فضایی فقر هستند، رشد و گسترش یافته و تا مراکز شهر نیز بالا آمده‌اند و خوشه‌های پایین که به نوعی نشان‌دهنده مناطق مرفه تهران هستند، علاوه بر مناطق شمالی به سمت پهنه‌ی غربی شهر گرایش پیدا کرده‌اند. طی این دهه اگرچه روندهای مهاجرت به شهر تهران کند شده است و سهم جمعیت شهر تهران از کل جمعیت مجموعه‌ی شهری تهران کاهش یافته، اما افزایش شدید قیمت زمین و مسکن در سال‌های بعد از ۱۳۷۵ که سالانه بیش از ۲۳ درصد رشد داشته و در نقاط مختلف شهر نیز یکسان نبوده است، باعث شده که جدایی‌گزینی درآمدی و طبقاتی در تهران شکل واقعی‌تری به خود گرفته و تجسم فضایی نیز پیدا کند. در سال ۱۳۹۰ نوعی خوشه‌بندی متمایز و منفک دیده می‌شود که نشان از قطبی شدن فقر در پهنه‌ی کلان‌شهر تهران دارد.

❖ علی سپهوندی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "مقایسه طرد اجتماعی، احساس پیوستگی و ادراک خطر در افراد وابسته به مواد، سیگار، قلیان و افراد عادی" آورده‌اند: در این پژوهش که برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی ارزیابی شناختی حوادث پرخطر، مقیاس احساس پیوستگی و مقیاس طرد اجتماعی همسالان استفاده شده، نتایج نشان داد که طرد اجتماعی، احساس پیوستگی و ادراک خطر از عواملی هستند که در گرایش افراد به سمت مواد، سیگار و قلیان نقش موثری ایفا می‌کنند.

مبانی نظری

سلین معتقد است، در سطح کلان تضاد میان دو فرهنگ اجتماعی مختلف رخ می‌دهد و می‌تواند به دلیل تضادهای حاشیه‌ای، توسعه‌ی ارضی یا به طور معمول بیشتر از طریق مهاجرت به وجود آید. تضادهای ثانویه در سطح خرد، درون فرهنگ کلان رخ می‌دهد، بخصوص هنگامی که خرده‌فرهنگ‌ها با هنجارهای رفتاری خود در فرهنگ میزبان گسترش می‌یابند. پارک و برگس نیز بر تاثیر عمیق محیط فیزیکی شهر روی الگوهای فرهنگی و اجتماعی شهر تاکید دارند. به نظر آنان آن دسته از حوزه‌های درون شهرهای تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی شده‌اند، ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه می‌دهند (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶). بر این اساس، تضادهای ثانویه به شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها منجر می‌شود که این خرده‌فرهنگ‌ها را می‌توان در گروه‌هایی مشاهده کرد که به دلیل نابرابری‌های فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رشد یافته‌اند. بنابراین، نبود عدالت توزیعی فرصت‌ها در فضاهای شهری گروه‌های اجتماعی را از یکدیگر تفکیک می‌کند.

دیدگاه تضادگرایی که متأثر از مارکس می‌باشد، بر این باور است که عوامل ساختاری- اجتماعی‌اند که تاثیر عمده‌ای بر روی شرایط نابسامان زندگی افراد کارتن‌خواب و فقیر داشته یا این که موجب تداوم کارتن‌خوابی می‌شود. به علاوه، برخی از نظریه‌پردازان تضادگرا معتقدند که افراد کارتن‌خواب مشکلات فردی را بعد از کارتن‌خواب شدن تجربه می‌کنند و کارتن‌خوابی خود موجب بروز مشکلات بعدی می‌شود. آنان کارتن‌خوابی را یک رفتار فردی محسوب نمی‌کنند؛ بلکه هم‌چون فقر، یک مشکل ساختاری در جامعه است. کارتن‌خوابی نتیجه‌ی گریزناپذیر مالکیت ابزار تولیدی و فقر و شرایط اقتصادی علت اصلی وجود کارتن‌خوابی است. تضادگرایان هم‌چنین بر روی رابطه بین کمبود واحدهای مسکونی مناسب برای افراد کم‌درآمد و بیکار نیز تاکید می‌کنند (سیم، ۲۰۰۰: ۳۷).

نظریه پردازان تضاد، تحلیل نظم را به عنوان استراتژی گروه حاکم، عینیت بخشی به ارزش ها و انگیزه های آنها و توجیه عقلانی کنترل اجتماعی موثر تفسیر می کنند. نظریات تضاد معمولاً استدلال می کنند که نابرابری، افراد بی خانمان یا فقیرتر را در یک جامعه سرمایه داری به وجود می آورد (علامه، ۱۳۸۷: ۹۴). در واقع نظریه های تضاد اجتماعی، رفتارهای کجروانه را یا واکنشی در برابر توزیع نابرابر ثروت و قدرت در جامعه یا نوعی کارکرد گونه های متفاوت تضاد موجود در درون جامعه می دانند. توزیع نابرابر قدرت و ثروت هم به رشد فقر دامن می زند و هم می تواند موجبات طرد اجتماعی افراد از گروه بزرگ تر در جامعه را سبب شود.

طرد اجتماعی در دیدگاه های اولیه، فرایند فقدان انسجام اجتماعی و گسیختگی پیش رونده در زمینه ی ارتباط میان فرد و جامعه در گروه های مسئله دار اجتماعی را بیان می کرد. اما در ادامه، دامنه ی مفهوم طرد اجتماعی به رنج بردن از محرومیت های چندگانه در مناطق دچار محرومیت نیز کشیده شد. در طرح اولیه، طرد مترادف فقر درآمدی و وضعیت افرادی دانسته می شود که نمی توانند به بازار کار درآمدزا ملحق شوند یا کاری با دستمزد پایین دارند. اما با غنی تر شدن ادبیات تحلیلی پدیده ی طردشدگی، طرد معنایی بسیار وسیع تر از فقر، نابرابری درآمدی، محرومیت اقتصادی یا فقدان شغل پیدا کرد. در تعاریف اخیر، طرد، مفهومی چندبعدی در نظر گرفته می شود که فقدان منابع و یا نداشتن حقوق اجتماعی و فرایندی پویا در طول زندگی افراد محروم را نشان می دهد. طرد، فرایندی است که گروه هایی از شهروندان به واسطه عدم دسترسی به برخی امکانات، اطلاعات، مهارت ها، ارتباطات، فرصت ها از روند اصلی زندگی اجتماعی به حاشیه رانده می شوند و اشکال مختلفی از محرومیت و انزوا را تجربه می کنند. پویایی فرایند طرد ناشی از محرومیت چندگانه، گسست پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی و گم کردن هویت و هدف است (Pleace, 2001: 26).

طرد اجتماعی بر حسب ناکامی در یکی از چهار نظام زیر تعریف شده است: نظام دموکراتیک و قانونی که انسجام و یکپارچگی مدنی را تحقق می بخشد؛ نظام رفاهی که انسجام اجتماعی را پیش می برد؛ نظام خانواده و اجتماع محلی که انسجام بین فردی را محقق می سازد؛ بازار کار که یکپارچگی و ادغام اقتصادی را پیش می برد. بنابراین، طرد اجتماعی پدیده ای چندوجهی است که تنها یکی از ابعاد آن فقر است (طالبان، ۱۳۷۸: ۱۰۰). به طور مختصر، طرد اجتماعی زمانی می تواند اتفاق بیفتد که مردم یا نواحی از یکسری مسائل پیچیده مرتبط به هم مانند بیکاری، مهارت پایین، درآمد کم، مسکن نامناسب، فضاهای با جرم و جنایت بالا، وضعیت نامناسب سلامت و خانواده های در حال فروپاشی رنج می برند (Sen, 1997: 21). طرد اجتماعی، فرایندی پویاست که از امکان هرگونه یکپارچگی اجتماعی فرد در جامعه و در سیستم های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ممانعت می کند (Walker & Walker, 1997: 8). طرد اجتماعی تجمع فرایندهای مختلف با افزایش پی در پی گسیختگی از قلب اقتصاد، سیاست و جامعه است که در آن به تدریج فاصله و مکان افراد، گروه ها، جوامع و قلمروها، در یک موقعیت پایین تر در رابطه با مراکز قدرت، منابع و ارزش های حاکم قرار می گیرند (Estivill, 2003: 19).

اصطلاح طرد اجتماعی در عین اینکه وضعیتی ایستا از محرومیت به شمار می آید، فرایند پدید آورنده ی این محرومیت را نیز در بر می گیرد. این مفهوم، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم فقر چندوجهی و دیدگاه آمارتیاسن در خصوص فقر قابلیت دارد. تقریباً در تمامی تعاریف طرد اجتماعی، متغیرهایی مانند مسکن، آموزش، بهداشت و

سلامت را می‌توان ملاحظه کرد و مسائل و مفاهیمی همچون مشکلات مالی، نیازهای اساسی، تماس‌های اجتماعی و ناخشنودی اجتماعی را نیز شامل می‌شود. از حیث مقوله‌ی زمان، یکی از ویژگی‌های طرد اجتماعی، طولی بودن آن است. به عبارت دیگر، مدت زمان محرومیت، مولفه‌ای مهم در تعریف و تبیین طرد اجتماعی و نیز شکل‌گیری طرد است. علاوه بر این، طرد اجتماعی در یک جامعه را می‌توان حاصل انباشتگی طرد اجتماعی افراد آن جامعه دانست.

روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش میدانی انجام شده و گردآوری داده‌ها نیز از طریق مصاحبه صورت گرفته است. تعداد کارتن‌خواب‌های مراجعه‌کننده به گرم‌خانه‌های شهر تهران بر اساس آخرین آمار مستند منتشرشده توسط معاونت اجتماعی شهرداری تهران برابر با ۱۲۰۴۸ نفر بوده است که پژوهش‌گر برای گردآوری داده‌ها به این مراکز مراجعه نمود و با کارتن‌خواب‌هایی که شب‌ها به این مراکز می‌آمدند به مصاحبه پرداخت. گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری پیش رفت که اگرچه اشباع با ۲۶ مصاحبه به وقوع پیوست، اما پژوهش‌گر برای کسب اطمینان در مجموع، ۳۸ مصاحبه انجام داد. تحلیل داده‌ها در قالب جداول و نمودارهایی آورده شده است که استنتاج پژوهش‌گر از صحبت‌های کارتن‌خواب‌های شهر تهران است.

یافته‌های پژوهش

طرد اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که بین ارزش‌های اجتماعی فرد و جامعه تضاد به وجود آید؛ این تضاد می‌تواند ناشی از کاستی در فرصت‌های زندگی به دلیل طبقه‌ی اقتصادی محروم به فرد تحمیل گردد و جبران محرومیت‌های ناشی از وضعیت اقتصادی را شرایط جامعه برای فرد مشکل می‌سازد. اما همان‌طور که در چشم‌انداز تئوریک آمد، طرد اجتماعی به معنای یک‌بعدی و صرفاً اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شود، گرچه اشکال دیگر طرد از نظر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌تواند متأثر از اقتصاد باشد. یکی از راه‌هایی که افراد در حل مشکلات اقتصادی خود در پیش می‌گیرند، مهاجرت است که در میان مصاحبه‌شوندگان یکی از اشکال غالب بود. نمونه‌هایی از پاسخ‌ها کارتن‌خواب‌ها عبارتند از:

محمد، ۳۲ ساله: حدود ۱۴ سال داشتم که برای کار کردن از مهاباد به تهران آمدم، اول دنبال کار گشتم و کار هم پیدا کردم و مدتی سر کار رفتم، اما بعد از دو بار تغییر شغل، با دوستانی که در رستوران پیدا کرده بودم، شروع به مصرف مواد کردم و کارم را هم از دست دادم.

یوسف، ۳۰ ساله: خانواده‌ام در لالچین، اطراف همدان زندگی می‌کنند. من ۱۶ سال پیش، تنها به تهران آمدم. از کار کردن در یک تالار در میدان خراسان شروع کردم و سال‌ها در خیابان و خرابه‌های چهارراه مولوی و سیروس می‌خوابیدم.

یوسف و محمد، نمونه‌هایی از کارتن‌خواب‌ها بودند که مهاجرتی خودخواسته سبب شده بود تا به تهران بیایند؛ آنان پس از خروج از خاستگاه جغرافیایی خود به قصد پیدا کردن شغلی با درآمد مکفی مهاجرت کرده‌اند و در این شهر با مخاطرات دیگری چون نداشتن مکانی به عنوان سرپناه، هزینه‌های بالای تهیه‌ی مکانی برای استراحت، پناه بردن به محلات جنوبی و بحران‌زای تهران، کمبود شغل مناسب و نداشتن درآمد کافی مواجه شدند. اما این مهاجرت

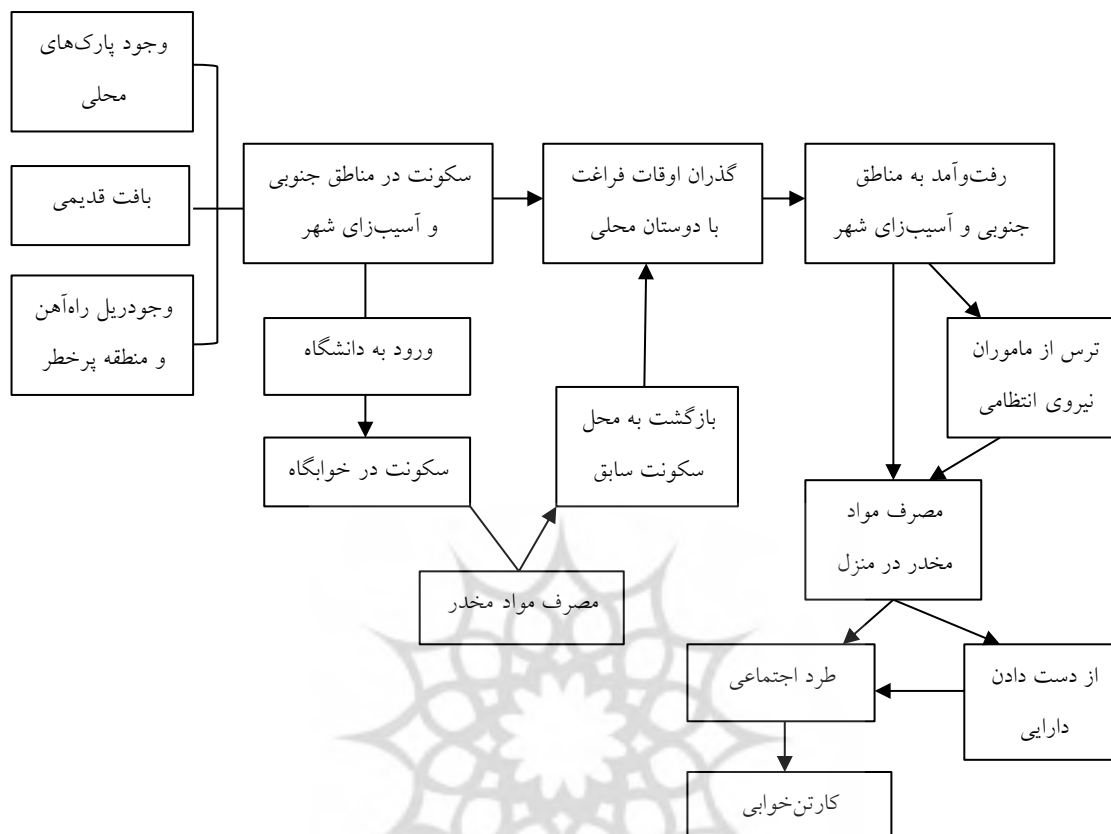
خودخواسته نشان می‌دهد که این افراد از فرصت‌های حداقلی در زندگی خود استفاده کرده بودند تا بتوانند شرایط زندگی خود را تغییر دهند. آنچه که آنان را به سمت گروه‌های طرد شده سوق داد، نداشتن فرصت‌های شغلی مناسب و درآمد کافی برای زندگی در مقصد مهاجرت بود. این گونه از طرد که به واسطه‌ی مسائل اقتصادی رخ می‌دهد، در میان کارتن‌خواب‌ها به وفور دیده می‌شود و تاییدکننده‌ی پیش‌فرض نظریه‌پردازان تضادگراست. اما گستره‌ی فقر شهری صرفاً در میان مهاجرین خودخواسته نبود، بلکه اشکالی از فقر شهری در مهاجرت‌های اجباری هم دیده می‌شود. نمونه‌هایی از این مصاحبه‌ها در زیر آورده شده‌اند:

علی، ۳۶ ساله: اصالتاً اهل هشتروند مراغه‌ام، اما تهران دنیا آمدم. از ابتدا در منطقه‌ی ۱۷ ساکن بودیم. اوایل فقط در فلاح رفت‌وآمد داشتم و بعد از رفتن به اسلامشهر، در آنجا و منطقه‌ی واوان رفت‌وآمد داشتم. محمود، ۴۸ ساله: من در تهران به دنیا آمدم و بزرگ شدم، اما خانواده‌ام اصالتاً اهل اردبیل هستند. خانه‌ی ما در خیابان پیروزی بود که خودم هم در آن محله بزرگ شدم.

تعداد افرادی که به دلیل مهاجرت به تهران آمده‌اند، از نظر فراوانی بیشترین تعداد را در میان کارتن‌خواب‌ها به خود اختصاص می‌دادند. این افراد در جستجوی راه بهتری برای گذران زندگی و یافتن فرصت‌های بیشتر و بهتر مهاجرت را انتخاب کرده بودند؛ گروهی با مهاجرت خودخواسته، برای جبران کاستی‌های موجود در مبدا مهاجرت اعم از شغل، تفریح، تحرک طبقاتی و غیره راهی شهرهای بزرگ شده بودند و گروهی دیگر نیز به دلیل مهاجرت خانواده، از خاستگاه فرهنگی خود جدا شده بودند. اما همه‌ی این افراد در مقصد مهاجرتی خود دچار طرد اجتماعی نشده بودند. برای نمونه، مهدی که ۳۹ ساله است، می‌گوید که خانواده‌اش آذری بوده‌اند و وی پس از مهاجرت آنان در تهران به دنیا آمده بود. نامزدش برای تحصیل به دانشگاه قزوین رفت‌وآمد می‌کرده و چون پدرش به او قول داده بود که در صورت قبولی در دانشگاه برایش اتومبیل بخرد، مهدی هم در کنکور شرکت کرده و به دانشگاه قزوین می‌رود. اما در خوابگاه شروع به مصرف مواد می‌کند و پس از اتمام دوره‌ی تحصیل هم با دوستانش که مانند او ساکن مناطق جنوبی تهران بودند، مصرف مواد را ادامه می‌دهد تا اینکه از خانه طرد می‌شود.

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان به نام کریم که ۳۴ ساله بود، پس از ازدواج با همسرش که در دانشگاه با او آشنا شده بود، به تهران مهاجرت می‌کند. برای مدت ۸ سال در شرکت نفت مشغول به کار بوده و پس از جدایی از همسرش، هم کار را رها کرده و هم زندگی خود را به دلیل افسردگی و اعتیاد از دست داده بود. وی گفت که خانواده‌اش اطلاع ندارند که او در تهران در چه وضعیتی قرار دارد و نمی‌خواهد که آنان متوجه شوند. این موارد نشان می‌دهند که سکونت در مناطق جنوبی شهر تهران، اگرچه فرصت‌ها و موقعیت‌های آسیب‌زا را به وجود می‌آورد، اما همیشه به دلیل فقر اقتصادی نیست. چنانچه در بسیاری از مصاحبه‌ها، کارتن‌خواب‌ها اشاره می‌کردند که هرگز با فرهنگ خاستگاه جغرافیایی قومیت خود آشنایی نداشته و حتی آنجا را ندیده بودند. این گروه که زاده و بزرگ‌شده‌ی شهر تهران بودند تا اندازه‌ی زیادی با فرهنگ مقصد مهاجرت خانواده سازگاری پیدا کرده بودند. حتی برخی از افرادی که مهاجرت‌های خودخواسته داشتند را می‌توان دارای سازگاری بالا با مقصد مهاجرت دید؛ گروهی که در سن پایین اقدام به مهاجرت کرده‌اند به دلیل نداشتن مهارت و دانش در راستای کسب فرصت‌های شغلی، جزء

گروه‌های آسیب‌پذیر به شمار می‌روند. اما افرادی که با هدف و برنامه‌ریزی مهاجرت کرده بودند تا مدت‌ها توانسته بودند زندگی خود را اداره کنند. نتایج مصاحبه با این دو گروه را در نمودار زیر می‌توان مشاهده کرد:



منبع: یافته‌های پژوهش

برخلاف ذهنیت موجود در میان اعضای جامعه، بخصوص پژوهشگران اجتماعی که کارتن‌خواب‌ها را افرادی طرد شده از جامعه می‌دانند که راهی جز خوابیدن در کنار خیابان ندارند، از لحاظ پایگاه اجتماعی پایین هستند و افرادی بدون پشتوانه‌ی خانوادگی به شمار می‌روند، در میان مصاحبه‌های انجام شده، افرادی حضور داشتند که از نظر اجتماعی دارای پایگاه اجتماعی بالا، نشان‌های افتخار و اعتبار اجتماعی بودند که برخی از آنان نیز از افراد شناخته‌شده در عرصه‌ی ورزش، هنر و علم بودند. البته در بخش پیشین هم افرادی که پایگاه اجتماعی متوسط و بالاتر داشتند حاضر به مصاحبه شدند و در این بخش اطلاعات تکمیلی از افرادی که بنابر پیش‌فرض‌های اجتماعی موجود، الزاماً بی‌سواد، گرفتار فقر و درمانده نیستند، گردآوری شده که برخی از مصاحبه‌های این افراد آورده شده است:

یکی از آزادگان جنگ تحمیلی که نظامی بوده و درآمد خوبی هم داشته، ماجرای کارتن‌خواب شدنش را چنین تعریف کرد: من حدود ۹ سال اسیر بودم و به علت شکنجه‌هایی که شده بودم، تعادل روانی نداشتم. پس از بازگشت با همسر مشکل پیدا کردم و از هم جدا شدیم. بارها به بنیاد مراجعه کردم تا حرفم را بگویم، اما کسی به حرف من گوش نکرد... یک بار رفتم و همه شیشه‌های بنیاد را شکستم... شاید کتک‌های پدرم که در بچگی با چوب و قابلمه

بر سرم می‌زد و یکی هم شکنجه‌های دوران اسارت بود که شرایط مرا بهم ریخت... خانه‌ی پدری‌ام در بروجرد، ۲۰۰ متر است و یک خانه‌ی سازمانی در تهران دارم. ولی دو سال است که در این پارک می‌خوابم. صادق که ۵۵ ساله بود، در پارک هرنندی در حالی حاضر به مصاحبه شد که دو دستش به دلیل سوختگی پانسمان شده بود و خودش اظهار داشت که برای نجات یک نفر از درون آتش، این اتفاق برایش افتاده است. او به دلیل فشارهای روانی که به بیان خودش ریشه در کودکی و شکنجه‌های اسارت داشت و از سوی سازمان‌های اجتماعی و حمایتی نیز توانسته بود گامی برای حل نیازهای خودش بردارد، دچار نوعی سرخوردگی شده و خانه‌اش را ترک کرده بود. سرخوردگی ناشی از فشارهای روانی و محیطی منجر به طرد وی نشده، بلکه او خودش از خانه خارج شده بود.

شیوا که ۲۸ ساله است و حدود ۶ سال پیش بی‌خانمان شده، ماجرای زندگی خود را این طور روایت کرد: نزدیک به ۷ یا ۸ سال پیش بود که مادر و پدرم در یک تصادف فوت کردند. من ماندم و دو برادرم. من که با مرگ پدر و مادرم دچار افسردگی شده بودم، نمی‌توانستم خانه را اداره کنم. کمتر از یک سال از فوت آن‌ها گذشته بود که برادرهایم خانه‌ی پدری را فروختند و دارایی پدرم را بین خودشان تقسیم کردند. من هم با تحویل خانه به صاحبخانه‌ی جدید بی‌جا و مکان شدم. مدتی در خیابان می‌خوابیدم که ماموران من را تحویل بیمارستان روزبه دادند. چند ماه آنجا بودم و بعد آمدم اینجا... به جز برادرهایم کسی را ندارم و با آن‌ها هم رابطه‌ای ندارم.

شیوا دانشجو بوده که پدر و مادرش را از دست داده و دچار بیماری افسردگی شده است. به گفته‌ی شیوا، پدرش وضع مالی خوبی داشت و خانه‌ای در گیشا داشته که برادرهایش آن را فروختند. وی نیز با دچار شدن به بیماری روانی، با نوعی اجبار روبرو بوده، خانه را ترک نکرده؛ بلکه از خانه رانده شده و جایی برای زندگی نداشته است. در میان کسانی که مبتلا به بیماری‌های روانی بودند و یا خانه را ترک کرده یا از خانه رانده شده بودند، تعداد زنان بسیار زیاد بود. شیوا هم یکی از این زنان بود که پایگاه اجتماعی نسبتاً بالایی داشت، اما به دلیل اتفاقاتی که برایش رخ داده، مجبور به کارتن‌خوابی شده بود. افراد دیگری هم بودند که به دلیل از دست دادن خانواده، در چنگال بیماری روانی گرفتار شده بودند، اما روند کارتن‌خوابی آنان مثل هم نبود.

محسن که ۵۲ ساله و اهل کرمانشاه است، می‌گوید: من در کرمانشاه معلم بودم و ۱۷ سال سابقه‌ی کار دارم. مدتی هم معاون آموزش و پرورش بودم... در یک تصادف رانندگی، همسر و فرزندانم را از دست دادم و دچار شوک شدم، دیگر نتوانستم در کرمانشاه بمانم و شرایط آنجا را تحمل کنم. تصمیم گرفتم به تهران بیایم... در تهران مدتی را در خیابان‌ها و پارک‌ها گذراندم، سمت مرقد امام، میدان راه‌آهن، انقلاب و شوش می‌خوابیدم که دچار اعتیاد شده و انواع مواد را تجربه کردم.

محسن که دارای مدرک فوق‌لیسانس ادبیات بود و در کرمانشاه، به عنوان معلم نمونه هم برگزیده شده، به دلیل فشارهای محیطی و روانی ناشی از شرایط پیش‌آمده، پذیرش اتفاقات و سازگاری با شرایط جدید برایش دشوار شده و با ترک محل سکونت خودش و مهاجرت به تهران، به دنبال راهی بوده تا بتواند از رخداد پیش‌آمده، فاصله بگیرد. دوری کردن مکانی و پناه بردن به خیابان‌هایی که پر از آدم‌های غریبه است، در شرایط نامساعد می‌تواند بستر آسیب‌های متعددی باشد که اعتیاد و کارتن‌خوابی برای محسن پیش آمد. در همه‌ی نمونه‌هایی که آورده شد، نوعی

سرخوردگی دیده می‌شود که در اثر رخدادهای خانوادگی و اجتماعی برای افراد پیش آمده و این افراد نتوانسته بودند کسی یا سازمانی را که بتواند آنان را حمایت کند، بیابند. در میان این افراد، کارتن‌خواب‌ها ناخواسته گرفتار آسیب‌هایی مانند اعتیاد شده بودند و از پیامدهای آن اطلاع زیادی نداشتند. اما مواردی هم بودند که خودشان به اختیار دست به تخریب جسم خود زده بودند.

یکی از این افراد سیامک، ۵۲ ساله بود و سابقه‌ی ۱۵ سال مددکاری در بخش‌های مختلف سازمان بهزیستی را داشت. وی که چهار خواهر و برادر با تحصیلات عالی‌ه داشت، خودش هم لیسانس مددکاری اجتماعی و فوق‌لیسانس روانشناسی خوانده بود، فرآیند کارتن‌خوابی خود را چنین روایت کرد: من استاد موسیقی بودم و سابقه‌ی ۱۵ سال مددکاری دارم. من در جوانی عاشق دختری شدم که خانواده‌ام، او را در سطح خودشان نمی‌دانستند و به من اجازه‌ی ازدواج با او را ندادند. آن دختر هم ازدواج کرد، ولی من برای انتقام از خانواده‌ام دست به تخریب خودم زدم. می‌دانستم که چه کار می‌کنم. الان هم ناراضی نیستم و خودم این زندگی را انتخاب کردم.

سیامک که به دلیل کار حرفه‌ای مددکاری از پیامدهای ناشی از اعتیاد و کارتن‌خوابی مطلع بوده، با سرخوردگی ناشی از مخالفت خانواده مواجه شده و خودش تصمیم گرفته تا زندگیش را در مسیر دیگری ادامه دهد. به گفته‌ی خودش، او از خانواده‌اش انتقام گرفته است، اما در فرآیند انتقام‌گیری، کسی که بیش از دیگران آسیب خورده، خودش است. زیرا در زمان مصاحبه که والدینش را نیز از دست داده بود، با هیچ یک از خواهر و برادرهایش ارتباطی نداشت و در انزوای کامل به سر می‌برد. گرچه او به دلیل انتخابی که کرده، اظهار پشیمانی نمی‌کند، اما پاسخ جامعه به او با همه‌ی هزینه‌های مادی و معنوی که از طرف خانواده و دولت برای وی صرف شده، ارزیابی مثبتی ندارد. وی فرزند آخر خانواده بوده و از نظر روانی و مالی، بسیار مورد توجه اعضای خانواده، بخصوص پدر و مادرش بود و همین توجه زیاد خانواده به خودش را دلیلی می‌داند که در تصمیم‌های شخصی‌اش تاثیر گذاشته و آزادی را از او سلب کرده است.

حمید هم یکی از افرادی بود که در نمایشگاه ماشین پدرش کار می‌کرد و از نظر مالی، وضعیت خوبی داشت. او که ۴۸ ساله بود، در مورد ترک منزل می‌گوید: من در دانشگاه شیراز در رشته‌ی متافیزیک تا مقطع فوق‌لیسانس درس را ادامه دادم. وقتی درس تمام شد و برای کار به نمایشگاه پدرم رفتم، در واقع وارد جامعه شدم. اما چیزهایی دیدم که برایم قابل تحمل نبود؛ مثلاً آقای X حق آقای Y را می‌خورد و Y حق Z را می‌خورد و این زنجیره همین طور ادامه دارد. وقتی فرد این مسائل اجتماعی را می‌بیند، باید با آنها برخورد کند، اما افراد به جای برخورد با آنها تصادف می‌کنند و به دنبال یک مسکن برای تسکین دردهایشان هستند. در اینجا است که شانس نقش خود را بازی می‌کند؛ حالا این مسکن می‌تواند الکل باشد یا تریاک، هروئین یا شیشه. مسکن من هروئین است و ۲۲ سال است که مصرف‌کننده هستم. من خودم این سبک زندگی را انتخاب کردم و می‌خواهم که راحت باشم و خودم را از قید و بندها رها کنم.

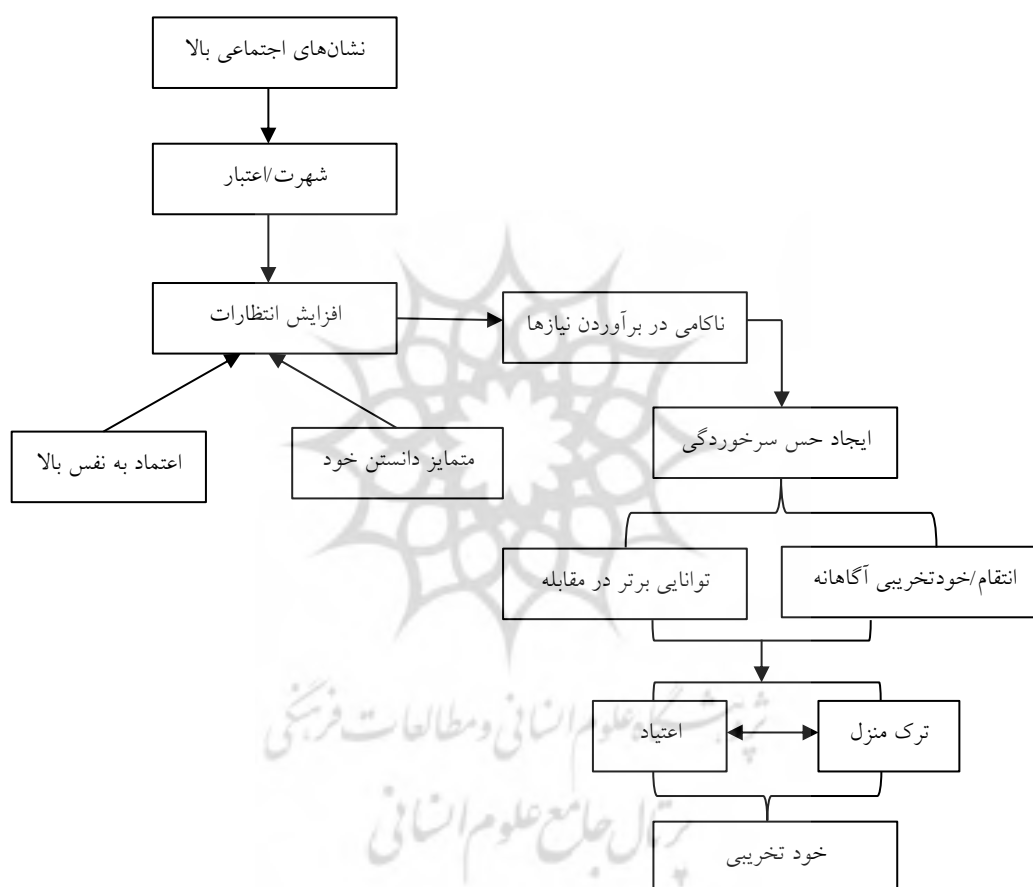
حمید که ارتباط کمی با خانواده‌اش دارد، ۶ ماه بود که به طور کامل از خانه خارج شده و در پارک‌ها و خیابان‌ها زندگی می‌کرد. وی هم ناتوانی در برابر حل یا برخورد با مسائل اجتماعی را دلیل سرخوردگی خودش به شمار می‌آورد و برای این سرخوردگی که برایش دردآور بوده، هروئین مصرف کرده است. ناکامی‌های ناشی از

سرخوردگی مهم‌ترین دلیل ترک خانه و گرایش به اعتیاد در میان این گروه بوده است؛ چنانچه حامد که ۱۲ سال است، خانه را ترک کرده، می‌گوید: من در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم و در دوران بلوغ که فرد به دنبال مطرح کردن خودش است، خانواده، محیط مناسبی برای پاسخگویی به سوالات من را فراهم نکرده بود. به همین دلیل گرایش به بیرون پیدا کردم؛ بخصوص در دوران دبیرستان به دنبال لذت‌جویی و تنوع طلبی بودم. در دوران دانشجویی با خانمی آشنا شدم که اهل کرمان بود و خانواده‌اش به شدت با سنت کرمانی‌ها مخالف بودند. با او ازدواج کردم و کارمند وزارت معادن و فلزات شدم. به دلیل اعتیاد از اداره اخراج شدم و در شرکت‌های کامپیوتری مشغول به کار شدم. اما مصرف زیاد مواد، کارم را تحت تاثیر قرار داد. من در خانه هم برای مصرفم، اتاق شخصی داشتم، تا زمانی که در خانه در حال مصرف بودم و پسرانم من را دیدند. وقتی دیدم حرمت از میان رفته، همان روز از خانه خارج شدم و به خانه بازنگشتم.

حامد از پایگاه اجتماعی بالایی بود و چهار خواهر داشت که دو خواهرش، پزشک و یکی هم مهندس الکترونیک بوده، او بر این باور بود که خانواده باید فضای مناسبی را برای فرزندانش مهیا کند تا فرزندان به دنبال کنجکاو‌های خود، وارد فضایی ناشناخته نشوند. وی که ریشه‌ی همه‌ی مشکلات خودش را در کنجکاو‌های دوران بلوغش می‌بیند، با اینکه از نظر مالی توسط خانواده تامین شده بود، اما خانه‌ی مجردی با دوستانش گرفته بود و در آنجا به نیازهای لذت‌جویی خود پاسخ می‌داد. پس از آن هم، اعتیاد همچنان در زندگی همراه او بوده تا جایی که فرزندانش، او را در حال مصرف می‌بینند. در واقع به نظر حامد، زمانی که وی در عملکرد خود، راهی را به فرزندانش نشان داد تا برای پر کردن خلاءهای درونی و دنبال کردن حس کنجکاو‌ی به آن پناه ببرند، حرمت خودش را در خانواده از بین برده و دیگر نمی‌تواند جایگاه پدری در خانواده را داشته باشد. وی که دارای آلبوم‌های متعدد خطاطی، نقاشی و آثار هنری دیگر بود، به دلیل نامساعد بودن شرایط خانوادگی‌اش در دوران نوجوانی، به مواد مخدر پناه برده و نتوانسته توانایی‌های خودش را به فرزندانش انتقال دهد. از سوی دیگر، کناره گرفتن از خانواده به دلیل اعتیاد، باعث شده بود که وی خودخواسته از خانه خارج شود. در این مورد هم گرایش به انزوا در فرد کارتن‌خواب دیده می‌شود که علت آن هم سرخوردگی‌های ناشی از شرایط خانواده در دوران بلوغ و همنشینی با دوستان بوده است.

در این میان افرادی هم بودند که نیاز مالی نداشتند، با کسب مقام‌های ملی و پیدا کردن شهرت، از مرز سرخوردگی در جامعه عبور کرده بودند و با دیگران نیز روابط خوبی داشتند. مهدی که ۵۱ ساله است و از ورزشکاران معروف ایران بوده، در مورد اتفاقاتی که پس از کارتن‌خوابی برایش افتاده چنین تعریفی دارد: پدر و مادرم اهل اردبیل بودند و من خودم در تهران به دنیا آمدم. در میان اقوام ترک، رسومی وجود داشت که آن‌ها را رعایت می‌کردیم و اگر یکی از این رسوم را نقض می‌کردیم، معمولاً پدرم با صحبت کردن و نصیحت سعی می‌کرد تا پیامدهای کارمان را گوشزد کند. من خودم یک اتاق خصوصی داشتم و همه‌ی کارهایم را در اتاق خودم انجام می‌دادم. من ورزش حرفه‌ای می‌کردم، به همین دلیل خوب پول درمی‌آوردم. خانه‌ی پدرم هم که بودم، پدرم بازاری بود و زندگی راحتی داشتیم. با پدرم سفرهای خارجی هم رفته بودم، اما با تیم ملی ۶۲ تا از کشورهای دنیا را گشتم. پدرم برای تجارت ۴ زبان زنده دنیا را یاد گرفته بود.

خانواده‌ی مهدی در ابعاد اقتصادی پایگاه اجتماعی دارای جایگاه بالایی بودند، اما از نظر اجتماعی و فرهنگی در شمار افراد عادی جامعه قرار می‌گرفتند. با این حال، مهدی به دلیل حضور در تیم ملی و کسب عناوین مختلف ورزشی، یکی از افرادی بود که در جامعه شناخته شده بود و به قول گافمن، صاحب نشان‌های اجتماعی بود که برای او اعتبار به همراه می‌آورد. از سوی دیگر، به همین دلیل در مجامع عمومی مورد پذیرش قرار می‌گرفت. بیشتر افرادی که در این گروه قرار گرفتند و سعی شد، نمونه‌هایی از گفتگوهای آنان آورده شود، کسانی بودند که جامعه، آن‌ها را طرد نکرده بود، بلکه آن‌ها به دلیل شرایطی که برایشان پیش آمده بود، از جامعه کناره گرفته بودند و ارتباطشان با دیگران را کم یا قطع کرده بودند.



منبع: یافته‌های پژوهش

در مصاحبه با کارتن‌خواب‌ها این نتیجه حاصل شد که بسیاری از افرادی که در تهران وارد گروه کارتن‌خواب‌ها شده‌اند، مهاجر به تهران هستند و به همین دلیل سازگاری کامل با زندگی در شهری مثل تهران را پیدا نکرده بودند، از سوی دیگر به دلیل اینکه از مبدا مهاجرت خود خارج شده بودند، روابط درون‌قومی که کنترل‌کننده‌های درونی ایجاد می‌کرد را تا حد زیادی از دست داده بودند. تضعیف کنترل درونی که در فرهنگ قومیت‌ها مختلف وجود دارد و از سوی دیگر عدم پذیرش کامل کنترل بیرونی که از سوی هنجارها و قوانین اعمال می‌شود، موقعیتی متزلزل برای افرادی به وجود می‌آورد که نه وابستگی کامل به قومیت خود دارند و نه اینکه توانسته‌اند سازگاری کاملی با مقصد مهاجرت خود پیدا کنند. این افراد، گروهی را تشکیل می‌دادند که به دلیل موقعیت‌هایی که برایشان در مقصد

مهاجرت فراهم شده بود، نتوانسته بودند به درستی در چارچوب هنجاری جامعه به انطباق خود با موقعیت پردازند. گروهی از مصاحبه‌شوندگان که به دلیل مهاجرت خانواده‌شان در تهران سکنی گزیده بودند، زندگی در کلان‌شهر تهران یکی از فرصت‌های زندگی آنان به شمار می‌رفت که به دلیل جبری بودن زندگی در این شهر، هیچ دخالتی در انتخاب محل زندگی خودشان نداشتند. این گروه نیز با اینکه بیش از دو تا سه دهه در تهران زندگی کرده بودند، اما همچنان در محلات جنوبی تهران که جزء مناطق مخاطره‌آمیز شهر است، ساکن بودند و فضای مناطق به دلیل مهاجرپذیری، اقشار مختلف اجتماعی و تنوع فرهنگی و قومی را در خود جای داده بودند. همین امر باعث شده بود که انتقال فرهنگی حتی در قالب واحدهای همسایگی نیز صورت پذیرد و تاثیر افراد از گروه همالان تا حد زیادی در محدوده‌ی مناطق سکونت آن‌ها انجام شود. از میان غیرمهاجران نیز افرادی که به دلایل مختلف مانند نابسامانی در خانواده، فشارهای مضاعف، فقر یا کسب استقلال و آزادی بدون وجود سلطه‌ی خانواده، از خانه خارج شده بودند، بیشترین فراوانی را در میان بومیان شهر تهران داشتند که به کارتن‌خوابی گرایش پیدا کرده بودند.

مناطق پرخطر در مناطق جنوبی و آسیب‌زای شهر تهران از تنوع زیادی برخوردارند؛ پارک‌ها، مکان‌های کم‌جمعیت و حاشیه‌ای مثل مسیر عبور ریل‌های راه‌آهن، زیرگذرها و زمین‌های بایر نمونه‌هایی از این مناطق هستند که مکان‌های مساعدی را برای گردهم‌آیی افرادی به وجود می‌آورند که توزیع‌کننده یا مصرف‌کننده‌ی مواد مخدر هستند و به واسطه‌ی همین شکستن تابوهای اجتماعی، طرد شده و از خانه بیرون آمده‌اند. برای این افراد، مکان‌های پرخطر که به دلیل وجود مخاطرات فردی و اجتماعی معمولاً خلوت هستند یا افرادی همسان با گروه‌های کارتن‌خواب گرد هم آمده‌اند، جای مناسبی برای خواب شبانه است.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، فقر شهری و طرد اجتماعی همیشه در رابطه‌ای دوسویه و متقابل نیستند که یکدیگر را تشدید کنند. این رابطه را در اشکال متنوع و متعددی می‌توان بازشناسی کرد. یکی از اشکال رابطه‌ی فقر شهری و طرد اجتماعی که در میان گروهی از افراد به وجود آمده بود که مهاجرت خودخواسته را در شرایط نامناسب و بدون برنامه‌ریزی انجام داده بودند، از تاثیر متقابل و فزاینده‌ی فقر در طرد اجتماعی و برعکس تبعیت می‌کرد. در این گونه از رابطه، هر چه فرد مدت بیشتری از زمان کارتن‌خوابی را سپری می‌نمود با محرومیت‌های بیشتری مواجه می‌شد که طرد از جنبه‌ی اقتصادی، فقط اولین گونه از طرد بود که آنان تجربه می‌کردند. پس از آن طرد فرهنگی به دلیل ناسازگاری با محیط، طرد اجتماعی به دلیل اجتناب مردم از ارتباط داشتن با آنان و نداشتن فرصت‌های و موقعیت‌های متفاوت برای انتخاب راه زندگی نیز گریبان آنان را گرفته بود. گروه دوم، اغلب از کسانی بودند که خانواده‌شان مهاجر به تهران بود و به دلیل سکونت در مناطق جنوبی و آسیب‌زای شهر تهران، موقعیت‌های پرخطر را دیده و گاهی تجربه کرده بودند. همین زمینه‌ی اجتماعی مساعد در ادامه موجب شد که آنان تمایل به تجربه‌ی فرصت‌های در دسترس را بیشتر از گذشته داشته باشند و همین تجربیات را به مکان‌هایی مثل خوابگاه دانشجویی نیز انتقال دهند. این گروه، ابتدا به دلیل طرد توسط خانواده، جنبه‌ی اجتماعی طرد را تجربه کرده بودند و پس از آن در چرخه‌ی طرد و فقر ناچار به تحمل مشکلات اقتصادی هم شده بودند. به همین دلیل، این گروه فقر شهری و طرد اجتماعی را همزمان در رابطه‌ای متقابل تجربه نکردند، بلکه فقر پیامد طرد بوده است. اما گروه سوم، نه

طرد اجتماعی و نه طرد اقتصادی را از سوی دیگران تجربه نکردند، انتخاب خودخواسته‌ی این گروه برای فاصله گرفتن از دیگران منجر به این شده بود که تا حد زیادی با مشکلات اقتصادی هم دست به گریبان شوند، اگرچه برخی از این افراد با خانواده‌های خود در ارتباط بودند و گاهی به خانه بازمی‌گشتند؛ اما پس از مدتی دوباره زندگی خود را در خیابان ادامه می‌دادند.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و رضا عباسی قادری (۱۳۸۶). برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران. سال ۹، شماره ۳۰، صص ۵۲-۲۳
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت
- اصغریور، کسری؛ نسیم خانلو؛ کرامت‌الله زیاری و وحید شالی امینی. تحلیل فضایی فقر شهری در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: محله دزاشیب منطقه‌ی یک شهرداری تهران). فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اخلاقی (ISC)، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۳۳، صص ۳۶-۲۱
- بزرگوار، علیرضا؛ کرامت‌الله زیاری و مسعود تقوایی (۱۳۹۶). سنجش مکانی پهنه‌های فقر شهری در شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد). فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد (ISC)، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۹۲، صص ۲۷-۵
- تافلر، آلون (۱۳۸۷). موج سوم. ترجمه‌ی شهیندخت خوارزمی. تهران: نشر فرهنگ نو
- جوادی، سیدمحمدحسین و اعظم پیلهور (۱۳۹۶). بررسی تجربه زیسته مصرف‌کنندگان بی‌خانمان: پژوهشی کیفی. فصلنامه علمی پژوهشی اعتیادپژوهی (ISC)، بهار ۱۳۹۶، شماره ۴۱، صص ۴۸-۲۷
- راغفر، حسین، میترا باباپور و محدثه یزدان‌پناه (۱۳۹۴). بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران. سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۴، صص ۷۹-۵۹
- رضائی، ابوالفضل؛ علی ربیعی؛ محمدجواد زاهدی مازندرانی و سیداحمد فیروزآبادی (۱۳۹۷). مقایسه جهت‌گیری‌های کارآفرینی اجتماعی و خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر در نهادهای حمایتی شهر مشهد، فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد (ISC)، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۹۶، صص ۲۱۲-۱۷۹
- روستایی، شهریور؛ حسین کریم‌زاده و فاطمه زادولی (۱۳۹۷). شناسایی مولفه‌های تاثیرگذار بر گستره فقر شهری؛ (مطالعه موردی: محله آخماقیه تبریز). فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای (ISC)، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۳۱، صص ۱۶۶-۱۵۳
- سپهوندی، علی، معصومه شفیعی و حدیث حیدری‌راد (۱۳۹۵). مقایسه طرد اجتماعی، احساس پیوستگی و ادراک خطر در افراد وابسته به مواد، سیگار، قلیان و افراد عادی. فصلنامه علمی ترویجی سلامت اجتماعی (ISC)، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۱۲، صص ۲۲۴-۲۰۵
- شالچی، سمیه و صفیه قلی‌زاده (۱۳۹۷). تجربه‌ی طرد اجتماعی زنان در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: محله‌ی اسلام‌آباد تهران). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جامعه‌شناختی شهری (ISC)، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲۷، صص ۹۴-۶۴
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸). بزهکاری جوانان و نظریه‌ی کنترل؛ بررسی تجربی. نمایه‌ی پژوهش. شماره ۱۷، صص ۱۰۰-۱۱۲
- علامه، غلامعلی و دیگران (۱۳۸۷). بررسی روند تحول فقر و تکدی‌گری در توسعه اجتماعی و راهکارهای کاهش آن. تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی
- کلانتری، محسن و محمدکاظم جباری (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی کالبدی حوزه‌های تمرکز بزهکاری در محدوده منطقه ۱۹ شهر تهران، مطالعه موردی: جرائم مربوط به سرقت به عنف و مواد مخدر. فصلنامه جغرافیا. سال یازدهم، شماره ۳۶، صص ۱۵۷-۱۳۹
- موحد، علی و سامان ولی‌نوری (۱۳۹۶). تحلیل پویایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران ۹۰-۱۳۷۵. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۵۵، صص ۵۰-۳۷
- Burt, Martha R., Pearson, Carol L., Montgomery, Ann Elizabeth (1999). Homelessness: Prevention, strategies, effectiveness. Nova science publishers, New York.

- Estivill, J, (2003). In Levinas, Emmanuel & et al., (2007), Sociality and money, Journal of Business Ethics, September 2007, Volume 81, Issue 3, pp 545–553
- Pleace N, Jones A, England J. (2001) Access to general practice for people sleeping rough. York: Centre for Housing Policy.
- Sen, D, (1997). In Levinas, Emmanuel & et al., (2007), Sociality and money, Journal of Business Ethics, September 2007, Volume 81, Issue 3, pp 545–553
- Walker, Russell J. & Walker, Barth P. (1997). In Levinas, Emmanuel & et al., (2007), Sociality and money, Journal of Business Ethics, September 2007, Volume 81, Issue 3, pp 545–553

